



نام درس: دناى ادیب

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: غزلیات سعدی (غزل ۹)

مقطع: دبستان و متوسطه ۱ پایه: چهارم تا هشتم





بختِ جوان دارد آن که با تو قرین است
دیگر از آن جانبم نماز نباشد
آینه‌ای پیش آفتاب نهادست
گر همه عالم ز لوحِ فکر بشویند
گوشه گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست

پیر نگردد که در بهشت برین است
گر تو اشارت کنی که قبله چنین است
بر در آن خیمه یا شعاع جبین است؟
عشق نخواهد شدن که نقشِ نگین است
گوشه‌ی چشمت بلای گوشه نشین است





تا نه تصور کنی که بی تو صبوریم
حُسن تو هر جا که طبل عشق فرو کوفت
سیم و زرم گو مباش و دُنیی و اسباب
عاشقِ صادق به زخم دوست نمیرد
سعدی از این پس که راه، پیشِ تو دانست

گر نفسی می‌زنیم باز پسین است
بانگ برآمد که: غارت دل و دین است
روی تو بینم که مُلک روی زمین است
زهرِ مذاہم بده که ماءِ مَعین است
گر ره دیگر رود ضلالِ مبین است





شرح واژگان و دشواری ها

قرین: همنشین، نزدیک	بهشت برین: بهشت بلند مرتبه	جانب: طرف
اشارت: اشاره	شعاع: پرتو نور	جبین: پیشانی
نخواهد شدن: نخواهد رفت	گوشه گرفتم: به خلوت رفتم	گوشه نشین: زاهد، پارسا
بازپسین: آخرین	فروکوفت: کوبید، به صدا درآورد	بانگ: صدا
دنیی: دنیا	زخم: ضربه	زهر: سم
ماء معین: آب پاک و گوارا	ضلال مبین: گمراهی آشکار	



درک مطلب

۱- چرا سعدی ثروت های دنیا را نمی خواهد؟

۲- سعدی در کدام بیت این اندیشه را بیان می کند هرچیزی از جانب معشوق نیکوست؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>